

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: جعفر آراسته

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر سیاوش مق جو

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۹/۲۹

استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز

موضوع پایان‌نامه: «دو چهره متفاوت شیطان در ادب عرفانی فارسی تا قرن ۷ ق.»

چکیده:

شناخت ساختار لغوی و معنایی شیطان با عناوین ابلیس، عزازیل به عنوان عزیزترین موجود هستی است که با خلقت حضرت آدم (ع)، دشمن او می شود و خدا را سرکشی و نافرمانی می نماید، و مبعوض و منفور درگاه الهی شده، از درگاه رانده می شود و مهلت می یابد تا «روز معلوم» زنده بماند و فرزندان آدم را فریب دهد و گمراه سازد. سپس این چهره ی دوگانه را در آینه ی تفسیر می بینیم که مفسرانی چون طبری و میبدی او را در کتب تفسیر توصیف می کنند، طبری داستان او را کامل نقل می کند و سپس میبدی به مذاق عارفان او را مظلوم خلقت و اسیر جبر و مشیت الهی می داند.

آنگاه نگاهی گذرا به پیشینه ی این چهره در آثار عرفانی می اندازیم که عده ای چون ابوالحسن گرگانی، شبلی، منصور حلاج، بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر، غزالی، عین القضاة همدانی، میبدی، سنایی، گاهی عطار و مولوی از او دفاع می کنند و او را مقهور جبر الهی می دانند که در لوح محفوظ در روز ازل نوشته شده بود، که مظلومانه قربانی مشیت باری تعالی می شود. در مقابل، قرآن کریم، ابولقاسم قشیری، هجویری، میبدی، غزالی، محمدبن منور، نجم الدین رازی، عطار و مولوی او را سرزنش کرده و او را دارای قوه ی اختیار دانسته که با آگاهی و انتخاب در برابر آدم (ع) سجده نکرده و خداوند را عصیان نمود پس شایسته ی عذاب و مجازات الهی است، چون او دشمن خدا و نوع بشر است و هر که با او باشد گمراه و دشمن خدا و مبعوض دوستان خداست. این موضوع توجه عده ای از صاحب نظران معاصر را جلب کرده در این باره تحقیق نموده و آثاری پدید آوردند که باید به این پژوهشها هم توجه کرد و با آثار گذشته مقایسه نمود تا نتیجه مفید بدست آید.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: ممد علی باغبان
 استاد راهنما: دکتر مسین مسن پور
 استاد مشاور: دکتر مسعود رومانی
 رشته: زبان و ادبیات فارسی
 تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۹/۷

موضوع پایان‌نامه: «بررسی عناصر زیبایی شناختی در قصاید خاقانی»

چکیده:

رساله حاضر، با موضوع بررسی عناصر زیبایی شناختی در قصاید خاقانی به چهار محور با عناوین متناقض نمائی، ابهام و ایهام تناسب، بن مایه و شبکه های تصویر و تداعی معانی می‌پردازد. در بخش متناقض نمایی، ابیات متناقض نمای قصاید خاقانی را از جهات مختلف تقسیم بندی نموده ایم از جمله: متناقض نمای خلاف عقلی، خلاف طبعی، خلاف عرف، خلاف عادت، خلاف طبیعت و ... که متناقض نمای عقلی بیشترین بسامد را داشته است. سپس به تحلیل ساختمان عناصر متناقض نما همچون متناقض نمایی به صورت ترکیب، متناقض نمایی میان عناصر یک جمله، متناقض نمایی میان دو جمله، پرداخته شد که متناقض نمایی میان عناصر یک جمله بسامد بالایی را به خود اختصاص داده است. در مرحله ی آخر نیز، حوزه های شکل متناقض نمایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است متناقض نمایی در قصاید خاقانی در حوزه های اغراق، استعاره، عناصر زبانی، تشبیه و کنایه شکل گرفته است که کاربرد و بسامد آن در حوزه ی اغراق بیشتر از سایر موارد است.

در بخش ایهام، پس از تعریف ایهام و گونه های آن (ایهام لفظی، ایهام تناسب، ایهام تضاد، ایهام استخدامی، ایهام تبادر، ایهام ترجمه) شواهد شعری مربوط به هر یک ارائه گردیده و در پایان نیز، میزان کاربرد و بسامد آن ها نشان داده شده است. میزان کاربرد و بسامد ایهام لفظی و ایهام تناسب در قصاید خاقانی قابل توجه و چشمگیر بوده است.

در بخش بن مایه، سه مورد از بن مایه های شعری خاقانی؛ یعنی طب و اصلاحات طبی، آلات موسیقی، مسیح و مسیحیت و اصطلاحات مربوط به آیین ترسایی در قصاید خاقانی مورد بررسی قرار گرفته است. ضمن توضیح، شواهد شعری مربوط به هر یک همراه با تجزیه و تحلیل و بررسی جنبه زیبایی شناسی ارائه گردیده است.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

در بخش شبکه‌ی تداعی و تصویر، شبکه‌های برگرفته از آیه و حدیث مورد بررسی قرار گرفتند. ضمن آن که به بررسی شبکه‌های تداعی بر اساس اصل مجاورت، مشابهت و تضاد پرداخته شد و شاهد مثال و نمونه‌های ابیات مربوط به هر بخش به همراه جداول مربوط به هر یک ارائه شد.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: علی اصغر دورکی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر علی اکبر باقری فلیلی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۳/۹

استاد مشاور: دکتر مسین مسن پور آلاشتی

موضوع پایان‌نامه: «طنز در اشعار ابوالقاسم حالت»

چکیده:

طنز انتقاد غیرمستقیم از پلیدی‌ها و کجروی‌های جامعه با بیانی خنده‌آور است و هدف آن اصلاح کاستی‌ها و پلشتی‌ها، ابوالقاسم حالت در وادی طنز شاعری است موفق و پرآوازه، با نگاهی منتقدانه و زبانی ساده و همچون طبعی حاذق زخم‌ها را می‌شکافد و ریم‌ها را بیرون می‌ریزد تا بیمار را بهبود بخشد. سه دیوان ابوالعینک، شوخ و خروس لاری که اساس کار این پایان‌نامه است، جلوه‌گاه اندیشه و طرح انتقادات سازنده و صادقانه به زبان شیرین و گیرای طنز ابوالقاسم حالت است که وی در این سه دیوان جسورانه به بیان معضلات و معایب رژیم پهلوی می‌پردازد.

هدف اصلی این پایان‌نامه تحلیل درون‌مایه‌های شعر طنز حالت بود که از سه دیدگاه مسایل و موضوعات، آماج و زبان طنز کنکاش قرار گرفت.

در بخش مسایل و موضوعات، چهار مسایل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و پس از بررسی آماری نتیجه این شد که ۵۲٪ اشعار طنز سه دیوان در بردارنده مسایل اجتماعی، ۲۳٪ سیاسی، ۵٪ اقتصادی، ۴٪ فرهنگی، ۶٪ همه‌ی موارد و بقیه سایر موارد می‌باشد.

شاعر به مناسبت‌های مختلف بدون بیم و هراس طبقاتی جامعه را مورد آماج طنز خود قرار داده و بدین طریق خطاکاران را به خطای خود آگاه ساخته است و هیچ‌یک از سران قدرت سیاسی و حکومتی همچون شاه (رضا و پسرش محمدرضا) نخست وزیران، وزراء، وکلا و ... از تیغ انتقاد او در امان نمانده‌اند.

زبان طنز شاعر گویای زبانی عامیانه و ساده و در عین حال سرشار از عناصر زیبایی است. وی در طنز سرایی سبک و شگرد خاصی داشته و خوانندگان اشعارش در گذشته، هر روز با شیوه‌ای نو و دلپسند آشنا می‌شدند.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: نعمت اله دیلم

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر علی اکبر باقری فلیلی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۴/۲۶

استاد مشاور: دکتر مسعود رومانی

موضوع پایان‌نامه: «هبوط و جلوه های آن در متون عرفانی ادب فارسی»

چکیده:

هبوط آدم و فراز و فرودهایی که آدم (ع) پس از هبوط با آن روبرو شده، یکی از موضوعات اصلی قابل تحقیق و تامل در حوزه انسان شناسی دینی و حقیقت جویی عرفانی می باشد که در این نگارش با استناد به متون عرفانی فارسی مورد بررسی قرار گرفته است. هبوط آدم و حوا در فرهنگ و ادیان مختلف ضبغه اساطیری دارد ولی نگاه صوفیانه به هبوط اشراقی است و بر اساس آن حقیقت محمدی که در حضرت آدم تبلور یافته بود با خوردن از درخت ممنوع تیره و کدر شده و آدم برای بازیابی آن تابناکی به زمین فرستاده شد و از این منظر هبوط وی، عشق را برای نسل او به ارمغان آورد. لذا در نگاه اشراقی خود آدم را نماد جنبه‌ی عقلانی و روحانی آفرینش دانسته‌اند حوا را نماد جنبه‌ی نفس و جسم، ابلیس را نماد وهم و نفس، مار را نماد نفس ائیم و طاووس را نماد افراد منافق و متکبر.

آنان تکبر، حسادت، ظاهربینی و عجب را از عوامل عمده‌ی هبوط ابلیس و میل به جاودانگی، غرور، زن، دل بستگی به بهشت، ناسپاسی، غیرت الهی، پاک دلی و نفس اماره را از عوامل هبوط آدم بیان کرده‌اند و برای آن پیامدهای مثبت و منفی ذکر کرده‌اند.

از دیدگاه آنان آنچه ابلیس را لعنتی کرده ترک ادب بوده و آنچه آدم را دوباره محبوب درگاه حق نموده، توبه و رعایت ادب بوده است. با این حال صوفیه به دفاع از ابلیس پرداخته و مطابق مرام خویش او را موحدی یکتاپرست خوانده‌اند.

صوفیه نهی خداوند در منع آدم از درخت ممنوع را نهی ارشادی خوانده و هبوط وی را دو بعدی معرفی کرده‌اند. یکی هبوط مکانی و دیگری، هبوط معنوی یعنی تنزل مقام و مرتبه.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

رشته: زبان و ادبیات فارسی

دانشجو: علی اکبر راعی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۶/۲۶

استاد راهنما: دکتر مسین مسن‌پور آلاشتی

استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز

موضوع پایان‌نامه: «تحلیل شخصیت و شخصیت پردازی در آثار داستانی جلال آل احمد»

چکیده:

رساله حاضر پس از بحث مقدماتی در باب فرضیات، اهداف، روش و پیشینه تحقیق و نیز طرح مباحثی در مبنای نظری تحقیق چون تاریخچه، طبقات، تعاریف و نظریه‌های شخصیت و نیز شیوه‌های شخصیت پردازی، به دو رکن اساسی داستان نویسی که عبارتند از: «شیوه‌ی شخصیت‌پردازی و عوامل تحلیل شخصیت در آثار داستانی آل احمد پرداخته است.

در این بررسی دریافتیم که در داستانهای اولیه‌اش بیشتر به شیوه مستقیم و در مرحله پختگی و کمال بیشتر به شیوه غیر مستقیم گرایش داشته‌اند. در داستانهای بلند چون مدیر مدرسه و نفرین زمین به شیوه غیر مستقیم و در سرگذشت کندوها و نون و القلم به شیوه مستقیم، شخصیت پردازی کرده‌اند. در داستانهای کوتاه آل احمد شخصیت پردازی بیشتر به شیوه مستقیم به کمک غیرمستقیم صورت پذیرفته است. از جهت عوامل تحلیل شخصیت (محیط - نام - کنش - گفتار و توصیف ظاهری) در داستان بلند مدیر مدرسه محیط و توصیف ظاهری، در سرگذشت کندوها محیط و نام، در نفرین زمین زبان و توصیف ظاهری، در نون و القلم عمل، زبان و محیط شاخص‌تر هستند.

در داستانهای کوتاه از عمل و محیط نسبت به عوامل دیگر بیشتر بهره‌برده است.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: یمی (ارغ)

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر مسعود (رومانی)

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۶/۲۵

استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز

موضوع پایان‌نامه: «تحلیل روانشناختی داستان‌های پادشاه و کنیزک. دقوقی و قلعه ذات
الصور در مثنوی مولوی»

چکیده:

داستان کنیزک صحنه‌ی نمایش تأثیرگذاری اندیشه‌های فرهنگی یا سوپرلگوی فرهنگی بر درون انسان است. ساختار شخصیتی انسان از نظر فروید از سه بخش نهاد، من و فرامن تشکیل شده است. کنیزک، من (روح منفعل)، زرگر، نهاد (بخش شیطانی) و پادشاه، فرامن (بخش فرشته خو) است. در فرهنگ اسلامی، معادل نهاد، نفس اماره و معادل فرامن، نفس لوامه است. «من» از نظر این پژوهش روح منفعل است، چون منفعلانه به دو سمت نهاد شیطانی و فرامن فرشته خو گرایش می‌یابد. طبیبان دروغین که نماد فرهنگ ناسالم اجتماع هستند متناسب با بخش شیطانی وجود انسانند. اما طبیب غیبی که نماد فرهنگ ناب اسلام و متناسب با فرامن فرشته خوی درون استرواح منفعل یا من (کنیزک) را از دست بخش شیطانی (زرگر) نجات داده و به بخش فرشته خو (پادشاه) پیوند می‌دهد.

داستان سورئالیستی دقوقی بیانگر کشف است. شاعر در این داستان دچار دیوانگی مثبت یا پیش زمینه ای چون احساس اقیانوسی شده و از ممیز خودآگاهی خود رها شده است. مولانا در این کشف به ملاقات جنبه‌های روحانی خود و نیز ملاقات جامعه ای آرمانی و کمال یافته می‌شود. داستان ذات الصور، بیانگر بازگشت به زاهدان و ولادت مجدد مولاناست. قلعه، نماد زاهدان و محل دگرگونی شاهزادگان است. پدر، نماد عقل معاش، برادر، بزرگ، نماد جسم، برادر میانی نماد نفس و برادر کوچک نماد روح است. تصویر دختر قلعه نماد روح است که مولانا در آن با خودشناسی و با راهنمایی پیر روشن ضمیر (شمس) در پی حقیقت آن در سرزمین عرفانی چین بر می‌آید و با کنار گذاشتن جسم و نفس، یعنی دو دشمن حقیقی روح به وصال پادشاه چین، یعنی خاوند نائل می‌شود.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

علاوه بر این مسائل برخی خصوصیات دیگر مولانا در این پژوهش عبارتند از: داشتن روحیه آنیمایی، عقده ی حقارت، عقده ی اودیپ، اضطراب نورو تیک در ارتباط با تمایلات جنسی، عدم ذهن مترصد ادبی، داشتن ترس نهفته با توجه به کار ناکام و داشتن نگاه پدرسالارانه در عشق به خداوند.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: ممد زارعی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر قدسیه رضوانیان

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۶/۲۶

استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز

موضوع پایان‌نامه: «تأثیر اندیشه‌های زروانی بر شعر رودکی، فردوسی و خیام»

چکیده:

آئین زروانی نگرشی مذهبی فلسفی به جهان است که با اعتقاد به زروان (زمان) به عنوان مبدأ آفرینش خیر و شر، جهان را حاصل حرکت و میل به آفرینش در وجود پروردگار می‌داند. اعتقاد به تقدیر، گذرا بودن جهان، پرهیز از آز، حفظ تعادل و میانه‌روی رضا و قناعت و لزوم شاد زیستن از جمله اصول تعالیم زروانی است. همچنین در اعتقادات زروانی جهان پس از پیمودن دوره محدود وجود خویش دوباره در اصل اولیه و صورت نخست خود یعنی زروان محو خواهد شد. از این رو بهشت و دوزخ و زندگی ابدی در آموزه‌های زروانی مطرح نیست.

آئین زروانی سابقه‌ی طولانی در حیات فکری و فرهنگی ایران پیش از اسلام داشته و گاه به عنوان دین رسمی مورد حمایت حکومت نیز بوده است. پس از اسلام علیرغم تغییر دین در میان ایرانیان، اعتقاد به برخی باورهای زروانی در میان مردم رواج خود را حفظ کرده است که برجسته‌ترین نمونه آن، نفوذ تقدیرگرایی در ذهن و روح ایرانیان است.

در این رساله با بررسی معتقدات زروانی، به تأثیر آن بر شعر رودکی، فردوسی و خیام، سه شاعر مهم سبک خراسانی پرداخته شده است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان دهنده‌ی آن است که تأثیر زروان گرایی بر شعر این سه شاعر یک اندازه نبوده و با توجه به زمینه‌های فکری و نوع سخنی که هر یک ارائه نموده‌اند، شدت و ضعف‌هایی دارد. در شعر رودکی این افکار به شکلی محدود و در ضمن حکمت و اندرز ارائه شده است و در شاهنامه با توجه به شکل روایی آن که بازگو کننده اساطیر و حماسه ایران پیش از اسلام است، نفوذ و گسترش این اندیشه‌ها را هم در اساطیر و هم در معتقدات مذهبی و کلامی می‌توان دید. رباعیات خیام نیز با توجه به گرایشهای عقلی و فلسفی خیام و همچنین ویژگیهای فلسفی آموزه‌های زروانی به گستردگی تحت تأثیر آیین زروانی است.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: احمد صدیقی

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر سیاوش مق جو

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۴/۲۹

استاد مشاور: دکتر مسین مسن‌پور آلاشتی

موضوع پایان‌نامه: «بررسی طیف‌های معنایی کلید واژه‌های طبیعی شعر نیما»

چکیده:

در این پژوهش سعی بر آن است تا به بررسی طیف‌های معنایی کلید واژه‌های طبیعی شعر نیما، پدر شعر معاصر، پردازیم. با مطالعه و بررسی تدریجی در اشعار فارسی نیما به این نتیجه رسیده‌ایم که عناصر طبیعی چون (شب، دریا، باد، کوه، ابر، موج، مهتاب، ساحل و خروس) به ترتیب پر بسامدترین و برجسته‌ترین کلید واژه‌های طبیعی اوست. که شناخت دقیق مفهوم و محتوای بسیاری از اشعار نیما در گرو شناخت جایگاه همین واژگان است.

در بررسی مقدماتی کلید واژه‌ها به همراه هم‌نشین‌ها (وصفی و اضافی) نیز پی‌برده‌ایم که طیف وسیعی از هم‌نشین‌ها مدار و محمل مفاهیمی چون یأس و دل‌سردی و غم و اندوه در شعر نیماست. جایگاه نخستین کلید واژه‌ها در شعر نیما نیز از لحاظ زبانی و تصویری در محدوده معنی قاموسی و حقیقی کلمه است اما به تدریج هم‌زمان با پختگی زبان و اندیشه شاعر متحول می‌گردد تا جایگاه در نهایت به کامل‌ترین شکل تصویری خود یعنی به نماد یا سمبل می‌انجامد. در بخش نهایی هم با بررسی سیر تدریجی مفهومی و معنایی کلید واژه‌ها به این نتیجه رسیده‌ایم که سیر تحول کلید واژه‌ها از شعر غنایی و رماتیک به شعر اجتماعی و سیاسی است و اکثر مفاهیم و بن‌مایه‌های برخاسته از آن حکایتگر مناسبات تلخ فرهنگی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر عصر نیماست.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: قاسم فرخ‌پور

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر مسعود (رومانی)

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۵/۲۸

استاد مشاور: دکتر مسین مسن‌پور آلاشتی

موضوع پایان‌نامه: «عقل در مثنوی مولانا»

چکیده:

این مجموعه که با عنوان «عقل در مثنوی مولوی» فراهم آمده، کاری است پژوهشی و تحلیلی که پیرامون اندیشه‌های این عارف بزرگ در اثر گرانسنگ او، مثنوی، صورت گرفته که در بخش‌ها و عنوانهای زیر تدوین و نگارش شده است:

الف) فصل اول که در آن سعی شده تا به طور اجمال، ولادت و زندگی و آثار و سپس اندیشه‌های او در سرایش مثنوی ارزیابی گردد.

ب) در فصل دوم این مجموعه به تعریف عقل از دیدگاههای مختلف فکری اعم از اندیشه‌های فقها، متکلمان و فلاسفه و عرفا و همچنین بنیان گذاران این اندیشه و سیر تاریخی و تحول آن اختصاص یافت.

پ) فصل سوم به عقل و رابطه‌ی آن با دیگر قوای انسانی از دیدگاه حضرت مولانا در مثنوی پرداخته شد و به این بهانه عناصری چون وهم، وحی، حس، قضا، نفس، عشق و ... رابطه‌ی آنها با عقل به اجمال ارزیابی شد و مهم‌ترین بخش این فصل به دو موضوع تقابل میان عقل و نفس «نفس امّاره» و «عقل و عشق» اختصاص دارد.

ت) فصل چهارم به عقل و ویژگیهای، صفات و تقسیمات آن اختصاص دارد با توجه به ابیات فراوانی که از او در اهمیت و عظمت عقل، در این اثر بزرگ به چشم می‌خورد و همچنین یکی از مهمترین و اصلی‌ترین بخش این مجموعه را که تدوین این اثر و بررسی و پژوهش آن بدین منظور صورت پذیرفته، تقسیمات عقل از جهت بیان مراتب آنها است که به طور دقیق و موشکافانه در مثنوی به نمایش گذاشته شد.

ث) فصل پنجم نتیجه‌گیری است که نگارنده کوشیده است تا حاصل پژوهش خود را با توجه به موضوع پایان‌نامه و با عناوین طرح شده در این رساله به انجام برساند و به اجمال، تدوین و نگارش نماید.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: ممد عنایتی قادیگالی

(رشته: زبان و ادبیات فارسی)

استاد راهنما: دکتر مسعود رومانی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۱۰/۲۶

استاد مشاور: دکتر رضا ستاری

موضوع پایان‌نامه: «مقایسه‌ی شخصیت‌های مشترک اسطوره‌ای - حماسی تاریخ بلعمی و شاهنامه»

چکیده:

تاریخ بلعمی، تالیف ابوعلی بلعمی، یکی از نخستین آثار منثور به زبان فارسی است که به دست ما رسیده است. این کتاب که ترجمه گونه‌ای است از تاریخ طبری، شامل تاریخ عمومی جهان و سرگذشت پیامبران و ... است که در ضمن بیان تاریخ، به تاریخ اساطیری و حماسی ایران نیز می‌پردازد. شاهنامه‌ی فردوسی نیز از نخستین آثار منظوم به جای مانده به زبان فارسی است که به وقایع آغاز آفرینش تا پایان دوره‌ی ساسانیان می‌پردازد. شالوده‌ی اصلی این کتاب داستان‌های اسطوره‌ای و حماسی ایران است. در روایت‌های ملی و داستان‌های حماسی این دو اثر، بعضاً تفاوت‌هایی دیده می‌شود که این تفاوت می‌تواند به دلایلی چون: اختلاف در منابع، اختلاف در روش دو مولف، اقتضای شاعر بودن فردوسی، تباین مذهبی برخی مسایل با عقاید اسلامی فردوسی و گرایش خردجویانه‌ی او باشد.

بلعمی بر خلاف فردوسی کمتر به حماسه‌ها (= عمل حماسی) و پهلوانی‌ها اهمیت می‌دهد چرا که او به شیوه‌ی سیرالملوک نویس‌ها بیانگر اعمال پادشاهان است از این رو، اعمال نامداران حماسی ایران در کتاب وی کمرنگ است و او بیشتر به کلیات داستان‌ها توجه دارد، در صورتی که عمل حماسی و برجسته‌ساختن اعمال پهلوانی اصلی‌ترین بن‌مایه‌ی شاهنامه است. از سوی دیگر اسطوره‌ای بودن شخصیت‌ها نیز در شاهنامه محسوس‌تر از تاریخ بلعمی است؛ برخی از شخصیت‌های حماسی شاهنامه به اصل اسطوره‌ای خود نزدیک‌ترند تا شخصیت مشابه آنان در تاریخ بلعمی و علی‌رغم این که در شاهنامه به اسطوره‌ی آفرینش برخی از شخصیت‌ها بنابه دلایلی از جمله: خردپسندانه کردن روایت‌ها، کمتر پرداخته شده است، اما وقتی به سیمای کلی شاهنامه می‌نگریم آن را اسطوره‌ای‌تر از تاریخ بلعمی می‌یابیم. در مورد اصالت روایت‌های دو اثر نیز باید گفت که فردوسی بنا به عللی از جمله مقتضیات شاعری و منطقی کردن داستانها در برخی از روایت‌ها تغییراتی ایجاد کرده است که ما این تغییرات را در تاریخ بلعمی نمی‌بینیم و بلعمی در بیان روایات، حفظ امانت را سرلوحه‌ی تاریخ نویسی‌اش قرار داده است.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: سیدمحمد نبی مسینی
 استاد راهنما: دکتر سیاوش مقبوضه
 استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز
 رشته: زبان و ادبیات فارسی
 تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۱۰/۲۶

موضوع پایان‌نامه: «تطبیق دیوان و آثار نثر ناصر خسرو قبادیانی»

چکیده:

این پایان نامه در پنج فصل نوشته شده که عبارتند از فصل اول: مقدمه، فصل دوم: زمینه نظری، فصل سوم: پیشینه‌ی پژوهش، فصل چهارم: تطبیق دیوان و آثار ناصر خسرو و فصل پنجم نتیجه‌گیری. صرفه نظر از سه فصل نخست که بیشتر درباره‌ی فرقه‌ی اسماعیلیه و معرفی کتبی است که در نوشتن این پایان نامه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مهمترین قسمت این پایان نامه فصل چهارم است که می‌توان گفت بدنه‌ی اصلی کار را تشکیل می‌دهد. این قسمت اختصاص دارد به تطبیق دیوان و آثار نثر ناصر خسرو.

در این قسمت نگارنده میزان امر مطابقت بین دیوان و آثار نثر وی را بررسی کرده تا نشان دهد که عقاید موجود در دیوان ناصر خسرو تا چه میزان با عقاید مطرح شده در کتب نثر او مطابقت دارند؟ و نیز این که ناصر خسرو چه عقایدی را در دیوان خود مطرح کرده است؟ می‌توان گفت در این فصل بالغ بر شصت تطبیق بین دیوان و آثار نثر وجود دارد تا نشان داده شود دیوان ناصر خسرو با وجود اینکه از حیث صور خیال در مرتبه عالی قرار دارد صرفاً از روی تفنن و خیال پردازی شاعرانه نیست بلکه پر است از اندیشه‌ها و عقایدی که گرایش به کیش اسماعیلی در آن نمایان است.

در قسمت دوم از فصل چهارم دیوان و آثار نثر با هم تطبیق داده شده‌اند تطبیق در الگوی گفتار (نحو) یعنی اینکه عامل ارتباطات ابیات قصیده با عامل ارتباط میان کلام منثور ناصر خسرو چه تفاوتی دارد؟ برای رسیدن به این مقصود قصاید مشهورتر ناصر خسرو انتخاب شده‌اند که معمولاً در گزیده‌ها آمده‌اند. چند قصیده هم با مراجعه به دیوان به روش تصادفی انتخاب شد تا دقت این بررسی تضمین گردد. نتیجه تحقیق آن است که پیوند مضامین و معانی ابیات قصاید در سیر طولی کاملاً متفاوت است با سیر طولی مباحث در آثار نثر، به گونه‌ای که خواننده‌ی آثار نثر او با یک سیر طولی منظم یا یک روش برهان و کلامی روبروست.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: زهرا وامدیان

رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر سیاوش مق جو

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۹/۲۰

استاد مشاور: دکتر غلامرضا پیروز

موضوع پایان‌نامه: «بررسی تطبیقی عنصر فکری آثار صادق هدایت و فرانتس کافکا»

چکیده:

در نقد و تحقیقاتی که تاکنون پیرامون شخصیت و آثار «صادق هدایت» صورت گرفته، به شباهت او و تعدادی از نویسندگان غربی اشاره شده است (ر.ک: میر صادقی، ۱۳۸۲: ۴۹ و ۵۴ و ۵۶) یکی از نویسندگانی که «صادق هدایت» با او مورد مقایسه قرار می‌گیرد، «فرانتس کافکا» نویسنده‌ی اهل چک است (همان جا). آن چه را که منتقدان، عمدتاً به عنوان موارد شباهت میان این دو نویسنده، از لحاظ محتوای آثار و شخصیت فردی مورد توجه قرار داده‌اند، به موردی مانند یاس، انزوا، تلخی و تاریکی محدود می‌شود؛ اما این موارد، به عنوان نمونه‌های اشتراک میان این دو نویسنده، کلی‌اند، بدون آن که لزوم تحلیل جزئیات را در نظر گرفته باشند؛ یعنی تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است که بدانیم «صادق هدایت» به چه دلیل شبیه «فرانتس کافکا» است. مبنای این تحقیق، بر این احتمال استوار است که آیا عناصر فکری موجود در آثار «صادق هدایت»، شبیه «فرانتس کافکا» است؟

همان‌طور که اشاره شد، دریافت اشتراک یا اختلاف احتمالی در عناصر فکری این دو نویسنده، از طریق بررسی محتوای آثارشان صورت خواهد گرفت نه مواردی که خودشان یا دیگران، درباره‌ی شخصیت شان گفته‌اند.

منابعی که درباره‌ی این موضوع موجودند، به عنوان الگو، برای این تحقیق، مورد استفاده قرار نگرفتند، چون همان‌طور که گفته شد، شیوه‌ی تحقیق و استنتاج در این پایان‌نامه، با آن‌ها تطابق ندارد.

از میان ۶۸ عنصر فکری استخراج شده از داستان‌های دو نویسنده، ۳۸ عنصر مشترک، ۲۵ عنصر از جهاتی مشترک و از جهاتی مورد اختلاف و صرفاً ۵ عنصر به کلی مورد اختلاف بوده‌اند. به این ترتیب، نتیجه‌ی کلی به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که شباهت میان دو نویسنده بیشتر از اختلاف میان آن‌هاست.

کلمات کلیدی: هدایت، صادق / کافکا، فرانتس / فکر / تطبیق

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: عبدالملکیم هوزیاری
 استاد راهنما: دکتر امد غنی‌پور ملکشا
 رشته: زبان و ادبیات فارسی
 استاد مشاور: دکتر قدسیه رضوانیان
 فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۹/۱۳

موضوع پایان‌نامه: «خرد و خردورزی در شاهنامه»

چکیده:

حکیم طوسی اثر عظیم خود را با نام خداوند جان و خرد آغاز می‌کند. و خرد را برترین و بهترین آفریده می‌داند. او در مقدمه شاهنامه، بارها از خرد و اهمیت آن سخن می‌گوید و به ستایش آن می‌پردازد. به عقیده‌ی او خوبی و نیکی، غم و شادی، پیروزی و شکست، دستیابی به جاه و مقام مادی و معنوی و بهروزی در دنیا و آخرت در اثر بود و نبود خرد است. علی‌رغم دنیای افسانه‌ای و اساطیری حاکم بر بخش‌های عظیم از شاهنامه، حوادث از مسیر خرد و عقل کمتر فاصله می‌گیرد به طوری که می‌توان ادعا کرد، به عقیده‌ی او میزان سنجش امور، ترازوی خرد و دانش است. درباره‌ی خردگرایی و خردستایی فردوسی در مقدمه، می‌توان روزگار خردگرا، ماهیت کار نگاه به تاریخ و اندیشه‌های ایرانی، اسلامی و یونانی را کم و بیش مؤثر دانست. از بین این عوامل تأثیر اندیشه ایرانی بیشتر است. با بررسی و طبقه بندی اندیشه‌های فردوسی در دو قسمت «آغاز کتاب» و «ستایش خرد» و تطبیق آنها با متن شاهنامه، این نکته استنباط می‌شود که فردوسی بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های ایرانی مندرج در منابع و مآخذ شاهنامه، به خردورزی و خردستایی پرداخته است. در بسیاری از داستان‌های شاهنامه حکمت و اندیشه‌های مشابهی دیده می‌شود. به طوری که می‌توان آنها را حکمت غالب شاهنامه دانست. از قبیل رابطه‌ی خرد با داد، صلح، آز، گذرایی جهان و شادی.

حکمت شاهنامه را در دو قسمت بیشتر می‌توان دید: نخست در مواعظ، اندرزها و تأملاتی که در جای جای داستانها گنجانده شده، دیگر در نحوه‌ی رفتار و کردار و کنش و واکنش شخصیت‌های داستان در برخورد با رویدادهای گوناگون. برای بررسی مورد اخیر ضرورت دارد داستان‌های شاهنامه یک مجموعه‌ی نظام و سامان یافته تلقی شود که اشخاص گوناگون با وجود اختلاف در جزئیات، اندیشه‌ای فراگیر و منسجم را بیان می‌کنند.

«خلاصه پایان نامه کارشناسی ارشد»

دانشجو: مهدی معافی

(شده: علوم اجتماعی- جامعه شناسی)

استاد راهنما: دکتر احمد رضایی

تاریخ فارغ‌التحصیلی: ۱۳۸۵/۱۲/۱۶

استاد مشاور: دکتر تقی آزاد ارمکی

موضوع پایان‌نامه: «بررسی جامعه‌شناختی رابطه زمینه‌های فکری دکتر شریعتی و مارکسیسم»

چکیده:

مسئله اصلی پژوهش حاضر همانا چرایی و چگونگی رابطه نظام فکری دکتر شریعتی و مارکسیسم است. مارکسیسمی که بخش قابل توجهی از آثار و افکار شریعتی را به خود اختصاص داده و همواره در کلام و تفکرش جریان دارد. در راه شناسایی چرایی و چگونگی رابطه مذکور، منظر و رویکردهای جامعه‌شناسی شناخت به کار گرفته شده و از روش تاریخی- اسنادی در تبیین و توصیف رابطه مذکور استفاده شد. بدین ترتیب، با استفاده از رویکردهای تعیین اجتماعی شناخت و ایجاد اجتماعی شناخت، دو گفتمان برجسته کشور در طی دو قرن اخیر به نامهای گفتمان غربی و گفتمان بازگشت به خویش تعقیب شدند که گفتمانهای مذکور تحت شرایط ساختاری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خاصی در طی کنش متقابل اجتماعی ساخته و پرداخته شده و توسط عوامل انسانی و تحت همان شرایط ساختاری تقویت شده و رشد یافتند.

گفتمان غربی که در ابتدا تحت شرایط ساختاری خاصی به استیلای فکری و سیاسی کشور دست یافت اندیشه‌های زیادی را در خود پروراند، اندیشه‌هایی که اقتباس از الگوی زندگی، تمدن و تفکر غربی را توصیه می‌کردند. مارکسیسم یکی از آن اندیشه‌ها بود که از همان ابتدا در این گفتمان حضور داشت و کم‌کم از حکومت پهلوی دوم به بزرگترین سازمان سیاسی و تشکل حزبی کشور تبدیل شد که گسترش مذکور در عرصه عمومی و دانشگاهی جامعه به حدی بود که شریعتی و دیگر متفکران گفتمان بازگشت ناچار به رویارویی با آن بودند.

گفتمان بازگشت که در ابتدا در حاشیه قلمرو سیاسی و فکری جامعه قرار داشت کم‌کم تقویت و احیاء شده و توسط عوامل انسانی برجسته‌ای چون سید جمال، اقبال، شریعتی، امام، مطهری و ... از دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ برجسته شد و در مقابل گفتمان غرب گرا قرار گرفت. بدین ترتیب بود که شریعتی به عنوان اندیشه‌گری برجسته در گفتمان بازگشت در مقابل مارکسیسم و گفتمان غربی قرار گرفت و ناگزیر از ایجاد رابطه با آن شد. رابطه‌ای که در سه وجه معرفی درست و دقیق مارکسیسم، تأثیر پذیری از مارکسیسم و اثرگذاری بر آن و نقادی آن بررسی شد.